

Research Article

A jurisprudential study of gender differences in child labor

Kameel Ahmady¹

Received: 2022/05/22

Accepted: 2022/09/16

Abstract

The issue of child labor has been a topic of interest for decades, but studies and policies related to child labor have focused on boys, assuming that girls' needs and desires are the same as theirs. Failure to pay attention to gender differences in child labor has often led to the invisibility of girls' work. The aim of this study is to highlight the gender dimension of child labor. The method of this study is a secondary research study and was conducted through a systematic review method. The study population of this study includes all studies on child labor conducted in and outside the country. After counting these studies and assessing their quality, 37 studies were selected. The findings of the study show that the work of girls and boys differs in terms of the level of presence, form of work, income and control over it, and the consequences of work. This difference can be explained by gender biases, parental expectations, opportunities, discrimination, and the way work is organized. Gender bias and social preference for sons have caused parents to pay more attention to sons, to invest in their growth and success, to victimize girls for boys, and to limit their growth and progress. This is a basis for girls to enter the workforce, while their work is not counted. Child labor has serious harms for boys and girls, and due to some social expectations and the gender of children, its consequences are worse for girls. It is necessary to pay attention to the issue of gender in child labor in studies and policy-making so that this issue can be accurately recognized and policies and programs can be more specifically focused on eliminating child labor.

Keywords: *Delay in the implementation of contractual obligations, moral damages, Iranian law, and Islamic jurisprudence.*

¹- Research Methodology Specialization: Master's Degree in Social Anthropology, University of Kent - England

مقاله پژوهشی

بررسی فقهی تفاوت‌های جنسیتی در کار کودکان

کامیل احمدی¹

چکیده

موضوع کار کودکان چندین دهه است که مورد توجه بوده است، اما مطالعات و سیاست‌ها مربوط به کار کودکان بر پسران متمرکز بوده‌اند، با این فرض که نیازها و خواسته‌های دختران با آنان یکسان است. عدم توجه به تفاوت‌های جنسیتی در کار کودکان اغلب منجر به نامرئی شدن کار دختران شده است. هدف این مطالعه برجسته کردن سویه جنسیت در کار کودکان است. روش این مطالعه از نوع مطالعات ثانویه و به روش مرور نظام‌مند انجام شده است. جامعه مطالعه این پژوهش کلیه مطالعات شامل مطالعات صورت گرفته در خصوص کار کودکان است که در داخل و خارج از کشور انجام شده‌اند. پس از احصاء این مطالعات و ارزیابی کیفیت آن‌ها 37 مطالعه انتخاب شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد کار کودکان دختر و پسر به لحاظ میزان حضور، شکل کار، درآمد و کنترل بر آن و پیامدهای کار متفاوت است. این تفاوت را می‌توان با سوگیری‌های جنسیتی، انتظارات والدین، فرصت‌ها، تبعیض‌ها و شیوه سازمان‌دهی کار توضیح داد. سوگیری‌های جنسیتی و ترجیح اجتماعی برای فرزندان پسر باعث شده والدین بیشتر به پسران توجه کنند، در رشد و موفقیت آنان سرمایه‌گذاری، دختران را قربانی پسران و آنان را از رشد و پیشرفت محدود کنند. این امر زمینه‌ای برای ورود دختران به کار است، درحالی‌که کار آن‌ها به حساب نمی‌آید. کار کودکان برای پسران و دختران آسیب‌های جدی به همراه دارد و به دلیل برخی از انتظارات اجتماعی و جنس کودکان پیامدهای آن برای دختران بدتر است. لازم است در مطالعات و سیاست‌گذاری‌ها به مسئله جنسیت در کار کودکان توجه شود تا هم شناخت دقیق از این مسئله صورت گیرد و هم سیاست‌ها و برنامه‌های صورت دقیق‌تر معطوف به حذف کار کودکان شود.

واژگان کلیدی: کار کودکان، انتظارات جنسیتی، سویه جنسیت در کار کودکان، نامرئی شدن کار دختران.

¹ - تخصص روش تحقیق و کارشناسی ارشد مردم‌شناسی اجتماعی، دانشگاه کنت - انگلستان.

موضوع کار کودکان در چند دهه گذشته مورد توجه بوده است؛ اما مطالعات، سیاست‌ها و برنامه‌های مربوط به کار کودکان بر پسران متمرکز بوده‌اند، با این فرض که نیازها و خواسته‌های دختران با آنان یکسان است. در نتیجه، دختران کودک کار اغلب «نامرئی» می‌شدند، در حالی که آن‌ها بخش بسیار زیادی از کودکان کار را تشکیل می‌دهند (کولومیتس و موری، ۲۰۰۴). برآورد جهانی در سال ۲۰۰۲ نشان می‌دهد که هیچ تفاوت قابل توجهی بین دختران و پسران در مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اقتصادی وجود ندارد، با این حال در بسیاری از جوامع به دختران و زنان به شکل دیگری که اغلب همراه با ارزش کمتری است نگاه می‌شود؛ از این رو جایگاه پایین‌تری نسبت به هم‌تایان مرد خود دارند. هم دختران و هم پسران در برابر استثمار کار کودکان آسیب‌پذیر هستند، البته به روش‌های مختلف. پسران و دختران راهبردهای مقابله‌ای متفاوتی دارند و با مشکلات متعدد کار کودکان به‌طور متفاوتی برخورد می‌کنند (همان).

باید گفت محیط قبل از تولد، محیط اوایل کودکی و وضعیت سلامت کودکان تعیین‌کننده قوی در رشد فکری، موفقیت تحصیلی و سلامت آینده آنان دارد. کار کودکان به اشکال مختلف سلامت جسم و روان به همراه تحصیل و رشد و پیشرفت آنان را به خطر می‌اندازد (سازمان جهانی کار، ۲۰۰۴). کار کودکان به‌نوبه خود در آینده، تأثیر بسزایی در سلامت و موفقیت پدران و به‌ویژه مادران دارد و تهدیدکننده پتانسیل‌های موجود برای نسل‌های آینده است. اگرچه دختران همانند پسران در کار کودک مشارکت دارند، اما به دلیل انتظارات جامعه در مورد نقش‌های که پسران و دختران باید ایفا کنند، دختران اغلب کارهای متفاوت با نتایج متفاوت را تجربه می‌کنند. دلیل اینکه باید به تفاوت‌های جنسیتی در کار کودکان نگاه کرد، وجود آن‌هاست. جامعه نوع وظایفی را که دختران و پسران می‌توانند انجام دهند را تعیین می‌کند و جنسیت عامل اصلی سازمان‌دهی کار است. نقش‌های جنسیتی به‌عنوان عامل کلیدی تعیین‌کننده، همراه با وضعیت خانوادگی و سنت‌ها، نقش مهمی در تعیین شکل کار پسران و دختران دارند.

پرداختن به موضوع کار کودکان با تأکید بر جنسیت حائز اهمیت است چراکه ممکن است علل و عواملی که منجر به کار کودکان در میان دختران و پسران می‌شود متفاوت باشد، آنان کار را به شکل متمایز تجربه کنند و پیامدهای کار برای آنان متفاوت باشد. از این رو در نظر گرفتن موضوع جنسیت به‌عنوان یک مؤلفه حیاتی در پرداختن به کار کودکان مهم است. اگر در مورد کودکانی که در یک فعالیت خاص کار کودک دخیل هستند اطلاعات بیشتری داشته باشیم، می‌توانیم برنامه‌ریزی بهتری برای غلبه بر مسئله کار کودک داشته باشیم. همچنین می‌توانیم تلاش کنیم دلایل مرتبط با جنسیت در پس اشتغال کودکان را درک کنیم و برای پیشگیری از استفاده از کودکان برای کار و همچنین نحوه ادغام مجدد کودکان در مدرسه برنامه‌ریزی کنیم. برای مثال، امکانات توان‌بخشی موجود برای کودکان کار خیابانی ممکن است برای گروه‌های جنسی مختلط مناسب نباشد؛ بنابراین داشتن «رویکرد جنسیتی» برای شناخت و در نتیجه برای جلوگیری و حل مشکلات کار کودکان مفید است. مفید بودن داشتن رویکرد جنسیتی در کار کودکان آنجا بیشتر حائز اهمیت است که تعاریف استاندارد کار کودک تمایل به دست‌کم گرفتن کار دختران دارد، فعالیت‌های اقتصادی پسران و دختران و

پیامدهای آن می‌تواند بر اساس کار متفاوت باشد. از این رو هدف این مطالعه برجسته کردن سویه جنسیت در کار کودکان با مرور نظام‌مند مطالعات حوزه کار کودکان است. مطالعه به دنبال پاسخ به این پرسش است: چه تفاوت‌های جنسیتی در کار کودکان به لحاظ میزان، علل، شکل، ماهیت و شیوه انجام کار وجود دارد؟

مروری بر ادبیات نظری

در این بخش مروری بر ادبیات نظری با تأکید بر دو مفهوم کار کودک و جنسیت می‌شود. براساس مطالعات کار همیشه برای کودکان بد نیست و می‌تواند سالم باشد، اما برخی از کارها که از آن‌ها تحت عنوان «کار کودک» یاد می‌شود به‌طور جدی اجتماعی شدن مؤثر کودکان را مختل می‌کند. به‌منظور تصمیم‌گیری در مورد سالم یا مضر بودن فعالیت‌های اقتصادی کودکان، جامعه بین‌الملل معیارهای زیر را تعیین کرده است: «فعالیت کودک» با مشخصاتی همچون (۱) کارهای سبک (کمتر از ۱۴ ساعت در هفته) برای کودکان ۱۲ الی ۱۷ سال، (۲) برای سلامتی و رشد کودک مضر نباشد، (۳) مانع تحصیل یا آموزش حرفه‌ای کودکان نشود و (۴) ماهیت خطرناکی نداشته باشد. «کار کودک» با مشخصاتی همچون (۱) کار منظم (۱۴ الی ۴۳ ساعت در هفته)، (۲) باعث آسیب جسمی یا روانی شود، (۳) مانع آموزش و یا رشد ذهنی یا جسمانی شود، (۴) کودک زیر حداقل سن تعیین شده توسط کنوانسیون شماره ۱۳۸ سازمان بین‌المللی کار باشد و (۵) کارهای خطرناک طبق مقررات کنوانسیون شماره ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار (هاسپلز و سوریا سرن، ۲۰۰۳). از نظر هومر فولک، رئیس کمیته ملی کار کودکان ایالات متحده، اصطلاح «کار کودک» معمولاً برای اشاره به کارهایی می‌رود که در رشد کامل جسمی و روانی، فرصت‌های حداقل تحصیلی مطلوب و تفریحات مورد نیاز کودکان اختلال ایجاد کند (بات، ۲۰۱۰). براساس تعریف سازمان جهانی کار، کار کودکان «اغلب به‌عنوان کارهایی تعریف می‌شود که کودکان را از دوران کودکی، پتانسیل و شأنشان محروم می‌کند و برای رشد فیزیکی و روانی آن‌ها مضر است» و به کارهای اشاره می‌کند که دارای خصوصیات ذیل‌اند: به لحاظ جسمی، روانی، اجتماعی و اخلاقی خطرناک‌اند و برای کودکان مضر هستند. در موارد زیر مانع تحصیل کودکان می‌شود: الف) آنان را از فرصت حضور در مدرسه محروم می‌کند، آنان را قبل از اتمام تحصیل بر ترک تحصیل مجبور می‌کند. یا آنان را مجبور می‌کند حضور در مدرسه را با کار بیش از حد طولانی و سنگین ترکیب کنند (وامقی و یزدانی، ۱۳۹۸: ۹۷).

به‌طور فزاینده‌ای سویه جنسیتی کار کودکان مورد توجه قرار گرفته است. پس از چهارمین اجلاس جهانی زنان در پکن در سال ۱۹۹۵، جامعه بین‌المللی متوجه شد که به حقوق کودکان دختر توجه کافی نمی‌شود. چندین قطعنامه در چارچوب گروه حقوق بشر، کمیته سوم سازمان ملل متحد، گروه وضعیت زنان به تصویب رسیده است که خواستار توجه بیشتر به حقوق دختران شده است. اخیراً، تصویب کنوانسیون شماره ۱۸۲ در مورد حذف بدترین اشکال کار کودک و توصیه شماره ۱۹۰ توجه بیشتری را بر روی کودک دختران در زمینه نادیده گرفته شدن، سوءاستفاده از حقوق آن‌ها و استثمار در کار جلب کرده است.

تفاوت‌های جنسیتی زیادی در کار کودکان وجود دارد به گونه‌ای که دختران و پسران با فرصت‌ها و محدودیت‌ها مختلف براساس وظایف مواجه هستند. زمانی که به موضوع جنسیت توجه می‌کنیم مهم است که «جنسیت» را با «جنس» اشتباه نگیریم. جنس به تفاوت‌های زیستی بین مردان و زنان اشاره دارد که قابل تغییر نیست. جنس کودکان بر زندگی آن‌ها تأثیر چشمگیری دارد. درحالی‌که عوامل بیولوژیکی زمانی که کودکان به سن بلوغ می‌رسند بسیار مهم می‌شوند، با پسران و دختران تقریباً از لحظه تولد متفاوت رفتار می‌شود. نحوه رفتار با دختران و پسران و آنچه که انتظار می‌رود آنان رفتار کنند، براساس تفاوت‌های جنسیتی است. فعالیت‌هایی که از پسران و دختران انتظار می‌رود انجام دهند، نقش‌های جنسیتی آن‌ها نامیده می‌شود (هاسپلس و سوریا سن، ۲۰۰۱). پس می‌توان گفت جنسیت به تفاوت‌های آموخته‌شده، اجتماعی و روابط بین دختر و پسر اشاره دارد. فرآیند اجتماعی شدن - که از طریق آن بچه‌ها یاد می‌گیرند چگونه رفتار کنند - از نظر جنسیت خنثی نیست، بلکه نقش‌ها و مسئولیت‌های متفاوتی را که به پسران و دختران بر اساس جنسیتشان محول می‌شود، شکل می‌دهد. با بزرگ شدن، کودکان رفتار اطرافیان خود را الگوبرداری می‌کنند و تفاوت‌ها و روابط اجتماعی موجود بین زن و مرد را بازتولید می‌کنند. به‌عنوان مثال، یک دختر اغلب به گونه‌ای رفتار می‌کند که با رفتاری که دختران و زنان دیگر در اطراف خود دیده است، مطابقت دارد. این نقش‌های جنسیتی توسط ارزش‌ها، هنجارها و کلیشه‌های جنسیتی رایج در هر جامعه تقویت می‌شود (آموریم و دیگران، ۲۰۰۴).

دسته‌ای از مطالعات فارغ از جنسیت مهم‌ترین علل کار کودکان را عواملی نظیر فقر و درآمد پایین خانواده، کار در مشاغل با درآمد پایین، اجبار خانواده، کمک به معاش خانواده، شرایط نامطلوب خانوادگی همچون از هم گسستگی، خشونت، منع قانونی تحصیل، فرار از محیط ناسالم خانواده، تعداد بالای اعضای خانواده، افزایش هزینه‌های تحصیل، فرهنگ برخی از اجتماعات و باورهای آنان درباره کودک، مهاجرت و تأمین هزینه‌های مهاجرت نام‌برده‌اند. گاهی اوقات خود کودک ممکن است به دلایلی مانند مهاجرت، هویت‌یابی، الگوهای نقشی که برای خود ترسیم کرده است، یادگرفتن مهارت و پیشرفت در زندگی، خرید برخی از مایحتاج مانند و یا اثبات خود در خانواده و ابراز قدرت وارد چرخه کار شود (خان و هسکت، ۲۰۱۰؛ سالمون، ۲۰۰۵؛ سنسوی بهار، ۲۰۱۴ و ۲۰۱۶؛ کاظمی، ۲۰۱۲؛ احمدی، ۱۴۰۰؛ زارع شاه‌آبادی و دیگران، ۱۳۸۸؛ وامقی و دیگران، ۱۳۹۴ الف و ب و غیره).

از زاویه تقاضا یکی از مشتریان اصلی کار کودکان خانواده‌ها هستند. تعداد زیادی از کودکان، کارگران بی‌مزد خانواده‌ها هستند. همچنین بسیاری از کارفرمایان، کودکان را باقیمت ارزان برای برخی کارها به کار می‌گیرند؛ اما به نظر می‌رسد بیش از سود اقتصادی، کنترل آسان‌تر و آگاه نبودن کودکان از حقوق خود سبب می‌شود کارفرمایان در به‌کارگیری آن‌ها در مقابل بزرگسالان تمایل بیشتری داشته باشند (وامقی و دیگران، ۱۳۹۴ ب). بخشی از کودکان به همراه شبکه‌های خانوادگی‌شان وارد چرخه کار می‌شوند؛ که نشان‌دهنده اهمیت خانواده برای ورود کودکان به کار است. دسته زیادی از کودکان برای بار نخست توسط یکی از اعضای خانواده یا دوستانشان وارد چرخه کار می‌شوند. در برخی از کارها، همچون کار در خیابان کودکان بهتر می‌توانند حس ترحم را در میان دیگران برانگیزند و درآمد بیشتری کسب کنند؛ همین امر باعث انگیزه برای والدین

می‌شود تا از آنان بیشتر استفاده کنند. از سوی دیگر تقریباً در همه مطالعات نشان داده شده است که یکی از دلایل کودکان کار برای وردیه چرخه کار کمک به تأمین هزینه‌های معاش خانواده است (احمدی، ۱۴۰۰؛ ایمانی و نرسیسیانس، ۱۳۹۰). در مطالعه‌ای که به موضوع کار دختران پرداخته بود مهم‌ترین علل کار آنان را زندگی در خانواده‌های ازهم‌گسیخته، حمایت از خانواده، فرودستگی و درماندگی همچون فقر و کنترل شدید بر دختران و استثمار مضاعف آن‌ها شناسایی کرده بود (میرحسینی و قربانی، ۱۳۹۸).

در رابطه با جنسیت و علل کار کودکان ادبیات این حوزه بر تبعیض‌های جنسیتی، ترجیحات والدین و انتظارات جنسیتی تمرکز دارد. به لحاظ رفاه در سطح خانوار شواهد نشان می‌دهد افزایش رفاه خانوار ممکن است برای کاهش کار کودکان کافی نباشد و نیاز به سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های همچون آب آشامیدنی و بهداشت و مراقبت از کودکان است (بانک جهانی، ۲۰۰۵). شواهد مطالعه‌ای نشان می‌دهد در مناطق شهری یمن، تأمین شبکه آب آشامیدنی باعث می‌شود احتمال مشارکت دختران در کار ۲ درصد کاهش و احتمال حضور آن‌ها در مدرسه ۱۶ درصد افزایش یابد. این اثرات برای پسران کمتر بود که نشان می‌دهد دختران نقش مهمی در جمع‌آوری آب داشته‌اند (گوارچلویون، ۲۰۰۳). همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد کاهش هزینه‌های مراقبت از کودکان برای خانوارها باعث افزایش حضور دختران در مدرسه می‌شود. برای مثال گلینسکایا و دیگران (۲۰۰۰) دریافتند در کنیا، افزایش ۱۰ درصدی هزینه‌های مراقبت از کودکان توسط دولت، نرخ ثبت‌نام دختران مسن‌تر در مدارس را تا ۳ درصد افزایش می‌دهد، درحالی‌که هیچ اثر قابل توجهی برای پسران نداشت. این شواهد نشان می‌دهد که دسترسی به مراقبت از کودکان با هزینه اندک می‌تواند کارهای در خانه دختران را کاهش دهد و تأثیرات مثبت بر تحصیل آنان داشته باشد.

شوک‌های خاص به خانواده نیز بر کار کودکان تأثیر می‌گذارد. یافته‌ها نشان می‌دهد تخصیص زمان در ارتباط با بیماری‌ها در میان پسران و دختران متفاوت است. یافته‌های مطالعه‌ای در کشور پرو نشان می‌دهد بیماری در میان کودکان خردسال باعث افزایش کارخانگی در میان دختران بزرگ‌سال‌تر می‌شود (الهی، ۲۰۰۱). با استفاده از داده‌های کشور لندونزی، پیت و روزنرولینگ (۱۹۹۰) دریافتند افزایش ۲۹ درصدی در بروز بیماری‌های کودکان، ۲۵ درصد مشارکت اقتصادی خواهران بزرگ‌سال‌تر را در بازار کار و احتمال رفتن آن‌ها را به مدرسه ۱۵ درصد کاهش می‌دهد و احتمال مشارکت آن‌ها در مراقبت‌های خانگی را ۵۳ درصد افزایش می‌دهد. موضوع دیگر اشتغال بزرگسالان است. زمانی که هر دو والد در بیرون از منزل در فعالیت‌های اقتصادی مشارکت دارند کار کودکان به‌ویژه دختران اغلب در کارهای خانه‌داری بدون مزد جایگزین کار آن‌ها می‌شوند. الهی (۲۰۰۱) در اجتماعات شهری پرو دریافت زمانی که اشتغال مادران بیرون از خانه افزایش می‌یابد هم دختران و هم پسران بیشتر درگیر کارهای خانگی می‌شوند، اما این نسبت برای دختران بیش از پسران است. دلایل دیگری از جمله دعواهای خانوادگی، خرابی خانه، آزار جسمی یا عاطفی، موقعیت‌های سیاسی و بلایای طبیعی نیز به کودکان برای کار کمک می‌کند. یافته‌های تحقیقات همچنین نشان می‌دهد برای کار پسران بیشتر مستعد فشار همسالان هستند، درحالی‌که دختران تحت تأثیر فشار خانواده و همسالان

هستند (ویل، ۲۰۰۲). به لحاظ سویه تقاضا زنان و دختران به مردان و پسران بیشتر ترجیح داده می‌شوند، زیرا اغلب مایل‌اند در شرایط بد سخت کار کنند. آن‌ها اجتماعی شده‌اند تا کارگرانی مطیع باشند که سخت کار کنند، اعتراض و مطالبه‌گری نکنند (هاسپلز و سوریا سرن، ۲۰۰۳).

در نهایت کار کودکان با آسیب زدن به اشتغال زنان شکاف جنسیتی را تقویت می‌کند. ممکن است چندین سازوکار در پس این نابرابری جنسیتی وجود داشته باشد. یکی از سازوکارها از طریق ترجیحات والدین مبتنی بر جنسیت به دلیل هنجارهای فرهنگی، مذهب و سنت‌ها عمل می‌کند. ترجیحات سوگیرانه می‌تواند بر تخصیص زمان در خانواده و انباشت سرمایه انسانی دختران تأثیر بگذارد به گونه‌ای که فرصت‌های دختران در بازار کار را به خطر بیندازد. سازوکار دیگر ممکن است از طریق آموزش عمل کند. حتی اگر ترجیحات از نظر جنسیت خنثی باشد، شرایط نامطلوب بازار کار برای دختران از نظر دسترسی به کار دستمزدی منجر به سرمایه‌گذاری ناکافی در آموزش آن‌ها با پیامدهای منفی مشابه می‌شود. آخرین سازوکار ممکن است از طریق مشارکت گسترده در مزارع خانگی و در کارهای خانگی عمل کند، که احتمالاً دانش خاصی را ایجاد می‌کند که انتقال آن به فعالیت‌های دیگر دشوار است. به‌طور خاص، کار کودکان باعث دور باطل مهارت‌های اولیه پایین برای زنان و نتایج پایین‌تر بازار کار در مقایسه با مردان می‌شود (هاسپلز و سوریا سرن، ۲۰۰۳).

روش

روش پژوهش در مطالعه حاضر از نوع مروری است. این دست از پژوهش‌ها به دنبال جستجوی نظام‌مند برای پاسخ به پرسش‌ها و ارزیابی نتایج پژوهش‌ها در ارتباط با موضوع یا مسئله‌ای خاص است یا این نوع از مرور در پی ترکیب یافته‌ها و شواهدی است که بر پرسش‌های خاص متمرکز هستند. این کار با توسل به رویه‌ها و فرایندهای منظم و سازمان‌یافته انجام می‌شود. در این نوع از مطالعه از روش‌های منظم و مشخص برای شناسایی، انتخاب و بررسی نقادانه پژوهش‌های اولیه درباره موضوع استفاده می‌شود و داده‌های این مطالعات استخراج و تحلیل می‌شوند (قاضی طباطبائی و ودادهیر، ۱۳۸۹: ۶۳). بر این اساس مطالعه حاضر با هدف بررسی پژوهش‌های انجام‌شده درباره کار کودکان با تأکید بر مسئله جنسیت و ارتباط بین این پژوهش‌ها با استفاده از الزامات روش مرور نظام‌مند (جستجو هدفمند، انتخاب مطالعات مناسب با تأکید بر موضوع پژوهش، احصاء یافته‌های آن‌ها و به‌کاربردن آن‌ها در راستایی پاسخ به پرسش‌های مطالعه) به انجام رسیده است. در پژوهش حاضر فرایندی هفت مرحله‌ای که در مطالعات مرور نظام‌مند به کار گرفته می‌شود، استفاده‌شده است. مراحل این فرایند عبارت‌اند از: (۱) تدوین پرسش (۲) جستجو در پایگاه‌های اطلاعات علمی (۳) انتخاب پژوهش‌های مناسب در راستایی موضوع و اهداف مطالعه (۴) ارزیابی کیفیت این پژوهش‌ها (۵) احصاء اطلاعات آن‌ها (۶) ارائه یافته‌ها و (۷) بحث و نتیجه‌گیری در خصوص یافته‌ها. جامعه آماری این پژوهش کلیه مطالعات شامل مطالعات صورت گرفته در خصوص کار کودکان است که در داخل و خارج از کشور انجام شده و به چاپ رسیده‌اند. پس از احصاء این مطالعات و ارزیابی کیفیت آن‌ها ۳۷ مطالعه (۲۶ مطالعه خارجی در بازه سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۰ و ۱۱ مطالعه داخلی در بازه سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۰) انتخاب شد.

مروری بر آمارها

برآوردهای جهانی نشان می‌دهد که در سال ۲۰۲۰، ۱۶۰ میلیون کودک - ۶۳ میلیون دختر و ۹۷ میلیون پسر - در سراسر جهان در حال کار از نوع کار کودکان بوده‌اند، تقریباً یک نفر از هر ۱۰ کودک. هفتادونه میلیون کودک - تقریباً نیمی از تمام کودکان کار - در کارهای خطرناکی بودند که به‌طور مستقیم سلامت، ایمنی و رشد اخلاقی آن‌ها را به خطر می‌اندازد. مشارکت پسران در کار کودکان در تمام سنین بیشتر از دختران است. نسبت کار پسران ۱۱.۲ درصد در مقایسه با ۷.۸ درصد دختران است. وقتی تعریف کار کودک گسترش می‌یابد و شامل کارهای خانه به مدت ۲۱ ساعت یا بیشتر در هفته می‌شود، شکاف جنسیتی در شیوع در بین پسران و دختران ۵ تا ۱۴ ساله تقریباً به نصف کاهش می‌یابد. کار کودکان در مناطق روستایی بسیار رایج‌تر است. ۱۲۲.۷ میلیون کودک روستایی در مقایسه با ۳۷.۳ میلیون کودک شهری وجود دارد. شیوع کار کودکان در مناطق روستایی (۱۳.۹ درصد) نزدیک به سه برابر بیشتر از مناطق شهری (۴.۷ درصد) است. بیشتر کار کودکان (هفتاد درصد برابر با ۱۱۲ میلیون) - برای پسران و دختران به‌طور یکسان - همچنان در کشاورزی رخ می‌دهد. بسیاری از آن‌ها کودکان خردسال هستند. آمارهای منطقه‌ای کار کودکان به این شرح است: جنوب صحرایی آفریقا ۲۳.۹ درصد (۸۶.۶ میلیون نفر)، آسیای مرکزی و جنوبی ۵.۵ درصد (۲۶.۳ میلیون نفر)، آسیای شرقی و جنوب شرقی ۶.۲ درصد (۲۴.۳ میلیون نفر)، شمال آفریقا و غرب آسیا ۷.۸ درصد (۱۰.۱ میلیون نفر)، آمریکای لاتین و کارائیب ۶ درصد (۸.۲ میلیون نفر) و اروپا و آمریکای شمالی ۲.۳ (۳.۸ میلیون نفر). نسبت کودکان کار براساس سن و جنسیت به این شرح است: از کل کودکان ۱۰.۹ درصد پسران و ۸.۴ درصد دختران در سن ۵ الی ۱۱ سال، ۱۱ درصد پسران و ۷.۵ درصد دختران در سن ۱۲ الی ۱۴ سال، ۱۲.۲ درصد پسران و ۶.۶ درصد دختران در سن ۱۵ الی ۱۷ سال در کار مشارکت دارند (سازمان جهانی کار و صندوق کودکان سازمان ملل، ۲۰۲۰).

در مورد ایران برآوردهای دقیقی از میزان کار کودکان وجود ندارد. وامقی و یزدانی (۱۳۹۸) با استفاده از داده‌های سرشماری در چند دوره (سه دوره در سرشماری سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰) نشان می‌دهند کار کودک به مفهوم عملی که در فرایند «توانمندسازی و جامعه‌پذیری» کودکان ایجاد خلل و گسست کند، گریبان‌گیر حداقل ۷.۵ درصد و با احتساب کودکان خانه‌دار ۱۵ درصد از کودکان ۱۰ تا ۱۸ ساله کشور است. یافته‌های سرشماری سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد جمعیت کودکان کار، یعنی کودکان فعال (۷۹۲.۸۳۳ نفر) به‌علاوه کودکان خانه‌دار به ۱.۶۲ میلیون نفر رسیده است. روی‌هم‌رفته یافته‌های مطالعه آنان نشان می‌دهد میزان کار کودکان در روستاها بیشتر از شهرها است؛ با افزایش سن احتمال کار کودکان بیشتر می‌شود اما این احتمال برای پسران بیشتر از دختران است. یافته‌های مطالعات دیگر نیز نشان می‌دهد روی‌هم‌رفته میزان کار پسران بیشتر از دختران است. نسبت دختران شاغل در مطالعات مختلف بین ۸ درصد تا ۵۴ درصد گزارش شده است (وامقی و یزدانی، ۱۳۹۸؛ وامقی و دیگران، ۱۳۹۴). در یک مطالعه بر روی بیش از ۲۷ هزار کودک کار شهری و روستایی کشور در سال ۱۳۸۷، ۸۰ درصد کودکان کار پسر بودند (کشاورز حداد و دیگران، ۱۳۹۳).

مبانی فقهی حقوق اسلامی

بالاتر بودن اشتغال به کار پسران نسبت به دختران در همه مطالعات کودکان کار شهری و روستایی دیده می‌شود اما به نظر می‌رسد در روستاها فاصله میان نسبت اشتغال پسر و دختر کمتر است، به طوری که در مطالعه کشاورز حداد و دیگران (۱۳۹۳) نسبت کار دخترها به پسرها در شهر ۸ درصد در مقابل ۹۲ درصد و در روستاها ۲۳ درصد در مقابل ۷۷ درصد بود و در کل نمونه ۲۰ درصد کودکان کار دختر بودند. همچنین مطالعه کودکان کار روستایی در کاشان و جهرم میزان بالاتری از کار دختران را نشان می‌دهد (وامقی و یزدانی، ۱۳۹۸).

آمارهای کار کودکان به خوبی نشان‌دهنده واقعیت موجود از کار بر مبنای جنسیت نیستند و در این زمینه لازم است به چند موضوع توجه شود. مشارکت دختران در کار نسبت به پسران در گروه‌های سنی بالاتر کاهش می‌یابد، با این حال، با کمتر شدن مشارکت آنان در فعالیت‌های اقتصادی، مشارکت آن‌ها در خدمات خانگی بدون مزد افزایش می‌یابد. کار دختران به دلایل همچون عدم به حساب آوردن آن‌ها در فعالیت‌های همچون کارگاه‌های خانوادگی و کارهای خانگی فعال به حساب نمی‌آید. کار خانگی به طور سنتی به عنوان یک کار آسان و ایمن برای کودکان، به ویژه دختران دیده می‌شود. با این حال، نشان داده شده است که کار خانگی می‌تواند برای کودکان بسیار خطرناک باشد و به عنوان یکی از بدترین شکل کار کودکان شناخته شده است (آموریم و دیگران، ۲۰۰۴). بسیاری از مردم نیز به دلیل ماهیت نامرئی کار کودکان از شیوع آن آگاهی ندارند. در نظرسنجی‌ها تعداد بیشتری از دختران نسبت به پسران «بیکار» گزارش می‌شوند، که نشان می‌دهد آن‌ها نه در مدرسه حضور دارند و نه کار می‌کنند. کودکان «بیکار» ممکن است در واقع هیچ کاری را انجام ندهند، اما این امکان نیز وجود دارد والدین وظایفی را که دخترانشان انجام می‌دهند کار «واقعی» تلقی نکنند (سیگنو دیگران، ۲۰۰۲). این مسئله مخصوصاً برای دختران در کشورهای در حال توسعه بسیار مهم است، زیرا آن‌ها تمایل دارند کارهای خانه را بیشتر از پسران انجام دهند (بانک جهانی، ۲۰۰۵).

ادراک والدین نیز به دست کم گرفتن کار کودک دختر کمک می‌کند. برای مثال دختران ممکن است در کاشت، وجین و برداشت محصولات کشاورزی مشغول باشند، اما ممکن است به جای اینکه «کار» کنند، به عنوان کمک به والدین/کارفرمایان تلقی شوند (بات، ۲۰۱۰). این دختران پس از آن در تعداد کل کارگران کشاورزی به حساب نمی‌آیند، به ویژه اگر حقوق دریافت نکنند، حقوق غیرنقدی دریافت کنند، یا اگر والدین/کارفرمایان یا دختران خود را شاغل ندانند. دختران اغلب به عنوان «کمک‌کننده» در نظر گرفته می‌شوند، حتی اگر این کمک کردن ساعات زیادی از روز آن‌ها را بگیرد و بر تحصیل آن‌ها تأثیر بگذارد. به طور مشابه، کار خانگی اغلب به عنوان کار تلقی نمی‌شود، بلکه به عنوان آمادگی برای انجام وظایف خانه در آینده، یا به عنوان یک نفر کمتر برای تغذیه، زمانی که دختر در جای دیگری زندگی می‌کند، تلقی می‌شود. بخش دیگر از دختران، در مشاغل پنهانی همچون تن‌فروشی کار می‌کنند. از آنجایی که بیشتر این نوع کار در بخش غیررسمی و غیرقانونی صورت می‌گیرد، اندازه‌گیری میزان مشکل و تعیین جدیت تأثیر آن بر کودکان دشوار است. با همین نوع رویکرد، می‌توانیم کم شماری تعدادی از پسران که در کارهای پنهان فعالیت می‌کنند را توضیح داد. به عنوان مثال، اغلب

تصور می‌شود که تن‌فروشی کار دختران است، اما ارزیابی‌های سریع در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که پسران نیز به تن‌فروشی مشغول هستند، هرچند پنهان‌تر از دختران (کولومیتس و موری، ۲۰۰۴).

اشکال کار

برخی از کارها را بیشتر پسران انجام می‌دهند همچون کارهای ساختمانی، برخی دیگر را بیشتر دختران انجام می‌دهند همچون کارهای خانگی و برخی دیگر را هم پسران و هم دختران انجام می‌دهند؛ همچون کارهای خیابانی. می‌توان گفت شکل کار نقش تعیین‌کننده‌ای در کار پسران و دختران دارد. در جدول زیر براساس مطالعات موجود نشان داده شده است که پسران و دختران بیشتر در کدام شکل از کارها، کار می‌کنند. البته لازم به ذکر است شکل کار براساس جنسیت بر مبنای مناطق مختلف جهان می‌تواند متفاوت باشد.

جدول شماره ۱ شکل کار براساس جنسیت

شکل کار جنسیت شکل کار جنسیت

کشاورزی	دختر و پسر	زباله‌گردی	اغلب پسران
کار خانگی	اغلب دختران	ساختمانی	پسر
مکانیکی پسر	خواروبارفروشی‌ها و مغازه‌ها	پسر	
کار در خیابان	دختر و پسر	رستوران و هتل	دختر و پسر
تن‌فروشی	دختر و پسر با غلبه دختران	بارکشی و حمل‌ونقل	پسر
کار در معادن	دختر و پسر

بخش زیادی از کودکان پسر و دختر در کارهای کشاورزی کار می‌کنند گرچه تعدادی از شواهد نشان می‌دهد حضور پسران بیشتر از دختران است. دلایل این امر تعدادی از کارهای سخت و طاقت‌فرسا و لزوم کار با ادوات کشاورزی به همراه آزار جنسی دخترانی است که به تنهایی کار می‌کنند (کولومیتس و موری، ۲۰۰۴). کار در این بخش طیف مختلفی از کارهای را در برمی‌گیرد. علی‌رغم حضور پسران و دختران در این کار نیز تقسیم‌کار وجود دارد. پسران بیشتر در کار جنگلداری، شکار، ماهیگیری و کشت غلات و دختران بیشتر به پرورش سبزیجات و مرغداری مشغول هستند (شولتز و اشتراوس، ۲۰۰۸).

کار خانگی شکلی دیگر از کار کودکان است که در همه نقاط جهان وجود دارد. این کار نیز طیف مختلفی از کارها همچون کارهای روزمره خانه، غذا درست کردن، نظافت و شستشو، مراقبت از کودکان کارفرما، مراقبت

از بزرگسالان و افراد از کارافتاده، باغبانی و کمک به کارفرمایان خود در اداره کسب و کارهای کوچک را در برمی‌گیرد. در نواحی روستایی این کارها می‌تواند شامل نگهداری از حیوانات، تمیز کردن محل نگهداری آن‌ها، کارهای کشاورزی و برخی از کسب و کارهای خرد مانند قالی‌بافی نیز شود (بلاگ‌برو، ۲۰۰۸). در این شکل از کار، خانواده فکر می‌کنند کارفرما خانواده‌ای دیگر و لذا یک محافظ و مراقب دیگر برای کودکشان است. آنان دارای این تصور اشتباه هستند که کار خانگی فرصتی را برای آموزش کودکانشان فراهم می‌کند و کار به آنان آسیب نمی‌زند، همچنین دختران را برای به عهده گرفتن نقش‌های جنسیتی آماده می‌کند. در این شکل از کار، کودکان ساعات طولانی را کار می‌کنند، همیشه باید برای کارفرماها در دسترس باشند، در بسیاری از موارد دستمزد دریافت نمی‌کنند، کودک مجبور است برای مدت طولانی به‌دوراز خانواده اصلی کار و زندگی کند و کار و زندگی نزد کارفرما همراه با آزارهای جسمی، جنسی و تحقیر است (احمدی، ۱۴۰۰). در بسیاری از مناطق جهان حضور دختران در این شکل از کار بیشتر است، اما در برخی از کشورها همچون نپال پسران حضور بیشتری در این کار دارند. همچنین ارتباط واضحی بین کودکان در کار خانگی و قاچاق کودکان برای استثمار کار در داخل و خارج از کشورها وجود دارد. نمونه بارز کار غیرقانونی (و نامرئی) کودکان و رابطه جنسی تجاری است. اگرچه قاچاق برای تن‌فروشی بسیار مورد توجه مقامات، جامعه و رسانه‌ها قرار گرفته است، اما قاچاق کودکان خردسال برای کارهای خانگی اخیراً شناخته‌شده است (هاسپلز و سوریا سرن، ۲۰۰۳).

کار در خیابان با اشکال مختلف آن (دست‌فروشی، اسفند دود کردن، وزن‌کشی، سبزی فروختن، شستن شیشه ماشین‌ها، تکدی‌گری، فال‌فروشی، فروختن دستمال کاغذی، چسب زخم، برخی از خوراکی‌ها، گل فروش و غیره) نیز شکل دیگری از کار است که هم دختران و هم پسران در آن حضور دارند. کودکان در سن بسیار پایین وارد این شکل از کار می‌شوند چراکه آنان در این سنین با جلب ترحم دیگران بهتر می‌توانند درآمد کسب کنند. در شهر تهران یکی از دوگانه‌های مطالعات در این حوزه، دوگانه خانوارهای افغانستانی و کولی/غربتی است. در کل در میان خانوارهای افغانستانی کار کردن دختران در بیرون از منزل پذیرفته‌شده نیست، اما آنان به دلیل فقر در یک بازه زمانی محدود دخترانشان را وارد کارهای خیابانی می‌کنند؛ اما خانواده‌ها از سنینی به بعد به‌ویژه از سن بلوغ که نشانه‌های ظاهری دختران تغییر می‌کند کمتر اجازه می‌دهند دخترانشان حداقل در برخی از اشکال کار همچون کارهای خیابانی کار کنند، دلایل این امر هم می‌تولند متفاوت باشد. طبیعتاً احساس خطری که خانواده‌ها از این بابت می‌کنند، یعنی اینکه به پاک‌دامنی دخترانشان لطمه‌ای وارد شود یکی از دلایل آن است. مهم‌تر از همه از نظر این دسته از خانواده‌ها کودکان بعد از مرحله بلوغ جسمی کم‌کم باید آماده ازدواج بشوند. کار دختران با ارزش‌ها و باورهای خانواده‌ها و اجتماعات آن‌ها مبنی بر این‌که دختر باید شوهر و خانه‌داری کند در تضاد است (احمدی، ۱۴۰۰؛ وامقی و دیگران، ۱۳۹۴). برعکس در میان کولی‌ها، کار دختران پذیرفته‌شده است و حتی برای آنان مزیت به حساب می‌آید. در این اجتماع کارکردن دختران یک سنت و نوعی از روش زندگی است. در میان آن‌ها بسیاری از مردان از سنین جوانی از کار کنار می‌کشند و کار دختران و زنان منبع درآمد و معاش خانواده است. تعداد زیادی از خانوارهای کولی‌ها فاقد شناسنامه هستند، از این‌رو برای تحصیل و اشتغال دارای محدودیت قانونی هستند و لذا به لحاظ حقوقی طردشده‌اند و همین مبنایی برای کار دختران است، چراکه مردان بزرگسال آن‌ها نمی‌توانند در بازار کار جذب

شوند و عدم امکان رفتن به مدرسه شرایط را برای کار آنان فراهم می‌کند. داشتن فرزندان زیاد از جمله دختران برای این دسته از خانوارها به معنی منبع درآمد بیشتر است. همچنین برای این دختران پس‌اندازها و دارایی‌های که می‌توانند از راه کار کسب کنند مزیتی اقتصادی برای ازدواج است. این دختران با کاری ابدی و مادام‌العمر مواجه هستند. آن‌ها تا زمانی که همراه والدینشان زندگی می‌کنند، در کنار مادر، خواهران و سایر دختران، باید در جهت تأمین معاش خانواده کار کنند. بعد از ازدواج این دختران که اکثراً در سن پایین رخ می‌دهد، بازهم اولین نیروی کار در خانواده همین زنان جوان محسوب می‌شوند، لذا شاهد کودک دختران متأهل کار هستیم (احمدی، ۱۴۰۰؛ میرحسینی و قربانی، ۱۳۹۸؛ وامقی و دیگران، ۱۳۹۴ ب).

یکی از موضوعات دیگر کار دختران در میان اجتماعات روستایی است که یافته‌ها نشان می‌دهد در میان آن‌ها سبب اصلی حقوق اسلامی کار دختران زیاد است؛ به‌گونه‌ای که در روستاها دختران به نسبت بیشتر کار می‌کنند. شواهد یک مطالعه نشان می‌دهد در روستاها ۷۱ درصد دختران مشغول به کار هستند. کار آنان اکثراً در قالب شبکه‌های خویشاوندی انجام می‌شود. آنان ساعات طولانی را به کارهای خانه‌داری، کار در مزارع کشاورزی و دامداری و همچنین در برخی از موارد برای دیگران انجام می‌دهند. در برخی از موارد ساعات و حتی سال‌های زیادی را مشغول قالی‌بافی هستند. در این اجتماعات نیز کار دختران پذیرفته‌شده است و بخشی از زندگی آنان است. برای خانواده‌های آنان کار نه تنها انجام برخی از امور و منبع درآمد است، بلکه آنان را برای به عهده گرفتن نقش‌های جنسیتی در آینده آماده می‌کند (فیروزآبادی و رضانیان، ۱۳۹۳، وامقی و یزدانی، ۱۳۹۸).

برآوردهای جهانی کار کودکان نشان می‌دهد میلیون‌ها کودک در دام «استثمار جنسی تجاری» گرفتارند. دختران بیشتر در معرض استثمار جنسی تجاری قرار دارند، اما اغلب داده‌ها فاقد اطلاعات در مورد پسران هستند. در واقع این امر به‌طور فزاینده‌ای آشکار می‌شود که پسران نیز در این کار حضور دارند و حتی گاهی اوقات از دختران نیز پنهان‌تر هستند. به دلیل مشکلاتی که در دسترسی به دختران و پسران درگیر در استثمار جنسی تجاری وجود دارد، تصویر جنسیتی دارای سوگیری است و لزوماً واقعیت را منعکس نمی‌کند. پژوهش‌های علل این شکل از کار را فقر، دعوا و بدرفتاری، ضعف در اجرای قوانین و فقدان اراده سیاسی و منابع برای توقف آن، خانواده‌های ازهم‌گسیخته و مشکلات خانوادگی، نبود یا کمبود حمایت‌های اجتماعی، زندگی با مادران مجرد، کمک به خانواده، اجبار والدین، فرار از مشکلات خانوادگی، استقلال اقتصادی، نفوذ همسالان، تمایل به کسب درآمد «آسان»، نبود فرصت‌های شغلی دیگر، جنگ، تبعیض جنسیتی و شیوه‌های سنتی ازدواج ذکر کرده‌اند. در میان دختران در مواردی ازدواج در سن کودکی، طلاق ناشی از آن و فقر آنان را به‌سوی این کار می‌راند. در برخی از جوامع همچون جامائیکا، سریلانکا و تانزانیا صنعت توریسم در تقاضا برای این شکل از کار مؤثر بوده است. پسرها بیشتر به‌عنوان کارگران جنسی در خیابان و دختران بیشتر به‌عنوان تن‌فروش نهادینه‌شده کار می‌کنند. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد در این کار بیشتر دختران به مدرسه نمی‌روند و نرخ ترک تحصیل در میان آنان بسیار زیاد است، کار آنان به‌صورت تمام‌وقت است و تعطیلی ندارند. دختران در این شکل از کار با مشکلات متعددی مواجه‌اند از جمله آزارهای شدید روانی و جسمی، تجاوز، ربوده‌شدن، ابتلا به ایدز و بیماری‌های مقاربتی، مشارکت غیرارادی در تولید فیلم و تصاویر مستهجن، اجبار به

مصرف مواد مخدر و آزار از سوی نهادهای دولتی همچون پلیس. به دلیل انگ اجتماعی نسبت به تن فروشها، بازگرداندن دختران به «جامعه عادی» فرآیندی پیچیده است. گاهی اوقات آنها ترجیح می دهند به جای فرستادن به مراکز توان بخشی، در فاحشه خانه ها بمانند. در حالی که پسرانی که تن فروشی را ترک می کنند تا زندگی عادی تری را از سر بگیرند، می توانند این گذار را آسان تر انجام دهند، اما دختران در بسیار از موارد طرد می شوند و جامعه به آنان به چشم دخترانی که «از قبل استفاده شده اند» برخورد می کند (کولومیتس و موری، ۲۰۰۴). در ایران پژوهشها به صورت مستقل به مطالعه این شکل از کار پرداخته اند اما در لابه لای آنها می توان متوجه شد تعدادی از کودکان نیز به این شکل از کار مشغول اند (وامقی و دیگران، ۱۳۹۴ ب).

در برخی از کارها دختران حضور ندارند. یکی از آنها زباله گردی در شهر تهران است که اکثراً توسط افغانستانیها انجام می شود (انجمن حمایت از حقوق کودکان، ۱۳۹۸؛ وامقی و دیگران، ۱۳۹۴ ب). دو دلیل عمده برای اینکه چرا دختران در این کار و کارهای دیگری همچون کارهای ساختمانی، جابه جایی بار و غیره حضور ندارند وجود دارد؛ نخست اینکه جامعه این شکل از کارها را کار مردانه تعریف کرده است و به دلیل انتظارات جنسیتی دختران نمی توانند این کار را انجام دهند. دلیل دوم که مهم تر است به نحوه سازمان دهی، ماهیت انجام این کارها و شیوه انجام آنها بازمی گردد. به لحاظ سازمان دهی کاری همچون زباله گردی مستلزم روابط کاری است و در قالب قرارداد میان پیمان کاران و کارفرمایان انجام می شود که این بخش از کار توسط مردان انجام می شود و به لحاظ ماهیت شغلی، مستلزم کار بدنی و طاقت فرسا است. جنبه مهم تر به لحاظ شیوه انجام کار است که حائز چند ویژگی است که امکان حضور دختران و زنان را فراهم نمی کند. نخست اینکه این کار در اکثر مواقع توسط مهاجران غیرقانونی افغانستانی انجام می شود که این شکل از مهاجرتها برای دختران زیاد امکان پذیر نیست. دوم اینکه مستلزم کار در ساعات غیرمتعارف و اسکان در محل کار است. در کار زباله گردی کودکان ساعات طولانی را به کار مشغول هستند. بخشی از کار همچنین در ساعات غیرمتعارف همچون شب انجام می شود. نکته دیگر این است که کار زباله گردی مستلزم خوابیدن در سایت های بازیافت زباله و گودهای زباله است که امکان حضور دختران را فراهم نمی کند چراکه به لحاظ فرهنگی این موضوع پذیرفته نیست. در کل کارهایی که به این شیوه انجام می شوند کمتر حضور دختران در آن را امکان پذیر می کنند. این بدان معنی نیست که دختران اصلاً به کار زباله گردی مشغول نیستند، آنان در برخی از موارد در برخی از مناطق حاشیه نشین شهر تهران و کرج ممکن است همراه با خانواده یا یکی از اعضای خانواده زمانی را به جمع آوری زباله مشغول شوند (انجمن حمایت از حقوق کودکان، ۱۳۹۸).

در کارهای همچون صنعت و معدن نیز دختران و پسران حضور دارند. کودکانی که در صنایع دستی نساجی و خیاطی و خدمات خانگی خصوصی کار می کنند تقریباً به طور کامل دختر هستند در حالی که پسران بیشتر درگیر تولید مبلمان چوبی، آماده سازی محل ساخت و ساز، خرده فروشی خواربارفروشیها و فروشگاه های عمومی هستند. در هند اغلب دختران در صنایعی همچون پوشاک، کبریت سازی، آتش بازی و سیگار سازی در تاملینادو یا در صنعت الگو در فیروزآباد کار می کنند (بات، ۲۰۱۰). در برخی از موارد زنان جوان به همراه کودکان روستایی به منظور کار در کارخانه ها یا محل های کار تولید کالاها مهاجرت می کنند (هاسپلز و سوریا سرن،

۲۰۰۳). همچون پسران دختران در بخش معدن نیز حضور دارند. در غنا، نیجر و پرو کار در معادن کوچک به صورت خانوادگی است، اگرچه دختران در بخش کارهای زیرزمینی فعالیت نمی‌کنند اما آنان از استخراج گرفته تا فرآوری تا خرده‌فروشی، به علاوه خدمات پشتیبانی کار می‌کنند. آنان همچنین در استخراج سنگ‌های قیمتی، تراشکاری، حمل قلوه‌سنگ از چاله‌ها، مرتب‌سازی سنگ‌های معدنی و خرد کردن سنگ فعال هستند (سازمان جهانی کار، ۲۰۰۷). در بخش صنعت در ایران نیز در طیف مختلفی از فعالیت‌ها کار می‌کنند. پسران در کارهای همچون کارگاه‌های تولیدی (کیف، کفش، پوشاک و غیره)، جوشکاری و کار در ضایعات، کار در کارگاه‌های نجاری و بلورسازی، مکانیکی و صافکاری و کارگاه‌های تولید و فروش گل کار می‌کنند. دختران نیز در صنایعی همچون بلورسازی، خیاطی و در منزل همچون زیورآلات و بسته‌بندی کالاها کار می‌کنند. هدف پسران از ورود به این کارها بیشتر یادگیری کسب مهارت برای آینده است، در حالی که هدف دختران بیشتر در کارهای همچون بلورسازی و زیورآلات و بسته‌بندی کالاها کسب درآمد به منظور کمک به خانواده است (احمدی، ۱۴۰۰).

کار و درآمد

تفاوت‌های جنسیتی در فعالیت‌ها می‌تواند در برخی کشورها قابل توجه باشد. در مقایسه با دختران، پسران عموماً نرخ مشارکت بالاتری در کار بازار و نرخ مشارکت کمتری در کار خانگی دارند. به عنوان مثال، در کشورهای MICS دختران ۱۸ درصد بیشتر در کارهای خانگی و تقریباً ۳۰ درصد کمتر در کار بازار با دستمزد شرکت می‌کنند (آموریم و دیگران، ۲۰۰۴). در چند دهه گذشته شاهد افزایش کار دستمزدی برای زنان در سطح جهان هستیم، فرآیندی که به عنوان زنانه‌شدن اشتغال شناخته می‌شود، اما بسیاری از این کارها از کیفیت نسبتاً پایینی برخوردارند. در کشورهای خاورمیانه همچون لبنان، سومالی و مصر پسران در شغل «با دستمزد» و دختران در «اشتغال بدون مزد» برتری دارند. در مقوله «کارهای خانه» نیز دختران به طور قابل توجهی بیشتر از پسران مشارکت دارند. این موضوع در اقتصادهای توسعه‌یافته‌تر همچون ترکیه و پرتغال نیز مشاهده می‌شود. به طور متوسط زنان معمولاً دوسوم درآمد مردان را دریافت می‌کنند و زنان هنوز در هر سطح تحصیلی کمتر از مردان درآمد دارند. تنها بخشی از این شکاف درآمد را می‌توان با تفاوت در میزان تحصیلات و تجربه شغلی توضیح داد که به این معنی است که تبعیض جنسیتی در دریافت دستمزد برابر برای کار با ارزش برابر همچنان گسترده است. به نظر می‌رسد همین امر برای دختران نیز صادق است. به طور متوسط، آن‌ها برای نوع کار مشابه کمتر از پسران دستمزد می‌گیرند. به عنوان مثال، نیمی از دخترانی که به عنوان خانه‌دار در بنگلادش کار می‌کنند، تنها به اندازه ۲۸ درصد پسران در همین کار دستمزد دریافت می‌کنند (کولومیتس و موری، ۲۰۰۴).

بسیاری از شواهد مطالعات نشان می‌دهد کودکان به منظور کمک به خانواده کار می‌کنند از این رو کنترل زیادی بر درآمدشان ندارند. خانوارها در بسیاری از موارد، کودکان از جمله دخترانشان را وارد چرخه کار می‌کنند و بر آنان کنترل دارند، از این رو درآمد آنان را نیز تصاحب می‌کنند (احمدی، ۱۴۰۰؛ وامقی و دیگران، ۱۳۹۴ الف و ب؛ وامقی و یزدانی، ۱۳۹۸). شکل کار نیز تأثیر به‌سزایی در این موضوع دارد. در برخی از کارها همچون

آن‌های که برای کارفرما انجام می‌شوند یا در محیط کارگاهی هستند، از آنجایی که والدین کودک به‌ویژه دختر را وارد کار می‌کنند و درباره میزان درآمد او با کارفرما به توافق می‌رسند و همچنین از آنجایی که ارتباطی میان کودک و کارفرما وجود ندارد، درآمد کودک به‌صورت مستقیم به والدین یا سرپرست کودک پرداخت می‌شود. در برخی از موارد سرپرست خانواده بخشی از درآمد را به‌منظور راضی نگه‌داشتن کودک و ادامه کار به او پرداخت می‌کند (احمدی، ۱۴۰۰).

در کارهای خانگی که دختران بیشتر در آن حضور دارند کودکان اغلب به خاطر کاری که انجام می‌دهد پولی را به‌صورت مستقیم دریافت نمی‌کنند. برخی در مقابل سرپناه، مراقبت و غذا، و برخی دیگر در برابر دست مزد کار می‌کنند. دستمزد آن‌ها ممکن است به والدینشان پرداخت شود و یا والدین آنان را به دلیل بدهی‌هایشان به خانه کارفرما بفرستند. ممکن است کارفرما دستمزد کودک را پیش خود نگه دارد، آن را به بهانه‌های مختلف از جمله عدم رسیدن کودک به سن قانونی پرداخت نکند و به کودک اجازه دسترسی به پول خود را ندهد. آنان ممکن است برای اقوام یا خویشاوندانشان و یا غریبه‌ها کار کنند. (یونیسف، ۱۹۹۹). در برخی از کارها همچون کار در کارگاه‌ها دستمزد دختران بسیار پایین است و کنترل کمتری بر درآمدشان دارند؛ درحالی‌که در کارهای خیابانی درآمد کودک بیشتر است و تا حدودی کنترل آن نیز بیشتر. در برخی از موارد به‌ویژه در کارهای خیابانی دختران به‌منظور تأمین برخی از نیازهای خود همچون خرید لباس و غذا یا تأمین هزینه‌های تحصیل کار می‌کنند (احمدی، ۱۴۰۰؛ میرحسینی و قربانی، ۱۳۹۸). روی هم‌رفته دختران اغلب بر درآمدی که به دست می‌آورند کنترلی چندانی ندارند، زیرا مجبورند آن را به پدر، مادر یا شوهر خود بسپارند. در شرق آسیا، بسیاری از زنان مسئول تأمین مخارج خانوار هستند. در چنین مواردی، زنان بر مخارج روزانه کنترل دارند، اما اغلب مسئول کسب درآمد موردنیاز برای بقا هستند. علاوه بر این، تحقیقات همچنان تأیید می‌کند که در مواردی که دختران و زنان بر درآمد خود کنترل دارند، آن را به میزان بیشتری نسبت به پسران و مردان صرف تأمین نیازهای اساسی خانواده خود می‌کنند (هاسپلز و سوریا، ۲۰۰۳).

مخاطرات و آسیب‌ها

کار کودکان با آسیب‌های آن تعریف می‌شود به‌گونه‌ای که «کودکان را از دوران کودکی، پتانسیل و شأنشان محروم می‌کند و برای رشد فیزیکی و روانی آن‌ها مضر است» و مانع تحصیلشان می‌شود (سازمان بین‌المللی کار). فارغ از جنسیت اشکال مختلف کارهای کودکان با شدت متفاوت پیامدهای آسیب‌گونه فوق را برای کودکان به همراه دارد، برخی از مخاطرات و آسیب‌ها در میان همه کارها مشترک هستند و برخی دیگر ویژه برخی از کارها هستند. کارهای که از آن‌ها تحت عنوان «بدترین شکل کار کودکان» یاد می‌شود با بیشترین مخاطرات و آسیب‌های همراه هستند.

همان‌گونه که گفته شد بخش قابل توجهی از کودکان در بخش کشاورزی و در کارهای خانگی می‌کنند. مهم‌ترین مخاطرات و آسیب‌های کار در بخش کشاورزی عبارت‌اند از کار در سرما و گرما و جلوی آفتاب، زخمی‌شدن، قرارگرفتن در معرض مواد سمی و فاضلاب، ساعات کار طولانی، کار فیزیکی طاقت‌فرسا، کم‌درد

و سایر دردها، کار در داخل گردوخاک و گاهی اوقات همراه با گل‌ولای، آفتاب‌سوختگی، مزاحمت حشرات، مواجهه با برخی از حیوانات خطرناک، جابه‌جایی بار سنگین و عدم دسترسی به خدمات و امکانات بهداشتی (آرنولد و دیگران، ۲۰۲۰؛ هرست، ۲۰۰۷؛ مول و دیگران؛ ۲۰۰۵؛ میرک‌زاده و دیگران، ۱۴۰۰). کارهای کشاورزی اغلب در مناطق روستایی و حاشیه شهرها قرار دارند، از این رو کار کودکان این مناطق را که محروم‌تر هستند بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهد و نابرابری‌ها را تقویت می‌کنند. آزار جنسی دختران در کارهای کشاورزی شایع است که باعث می‌شود تعداد کمتری از دختران در این کار برای دستمزد کار کنند. در مناطق روستایی اغلب باید دختران برای کار در مزارع کشاورزی همراهی داشته باشند و به‌تنهایی در مزارع کار نکنند (کولومیتس و موری، ۲۰۰۴).

مبانی فقهی حقوق اسلامی

کار خانگی به‌طور سنتی به‌عنوان یک کار آسان و ایمن برای کودکان، به‌ویژه دختران دیده می‌شود. با این حال، به‌طور فزاینده‌ای نشان داده‌شده است که کار خانگی می‌تواند برای کودکان بسیار خطرناک باشد و به‌عنوان یکی از بدترین شکل از کار کودکان شناخته‌شده است. بسیاری از مردم نیز به دلیل ماهیت نامرئی کار کودکان از شیوع آن آگاهی ندارند (یونیسف، ۱۹۹۹). اهم آسیب‌های کار خانگی عبارت‌اند از انجام کار زیاد، تنهایی، افسردگی، اضطراب، روزهای کار طولانی و خسته‌کننده، حمل بارهای سنگین، دست‌زدن به وسایل خطرناک مانند چاقو، قابلمه داغ، تبر و داس، محل زندگی ناسالم و غذای ناکافی و ناسالم، رفتارهای خوار و بی‌حرمت‌کننده از جمله آزارهای جسمی، کلامی و جنسی. در برخی از موارد والدین تصور اشتباهی درباره کار دارند و فکر می‌کنند کار نه‌تنها به دختران آنان آسیب نمی‌رساند بلکه این کارها آسان بوده و آنان را ورزیده و آماده می‌کند (ادراکات اشتباه)، یا اینکه کارفرمایان کودکان کارگر خانگی، به‌هیچ‌عنوان کار خود را بهره‌کشی از کودکان نمی‌بینند، بلکه تصور می‌کنند که به کودکان و خانواده‌های آن‌ها کمک می‌کنند (بلک، ۲۰۰۵). میزان حمایتی که یک کودک کارگر خانگی برخوردار است به کارفرما بستگی دارد. اگر کودک دستمزد نگرفته باشد، یا بیش‌ازحد کار کند یا با خشونت با او رفتار شود، هیچ راه‌حل محافظتی برای او جز ترک محل کار وجود ندارد (یونیسف، ۱۹۹۹).

برون و کلودیا جیانلی (۲۰۲۰) با استفاده از داده‌های سری زمانی افراد ۷ الی ۱۵ ساله نشان دادند کار کودک با آسیب‌پذیری همراه است و محرک آن دختران هستند. سن نیز اثر تعیین‌کننده‌ای داشت به‌گونه‌ای که کار تنها برای کودکان کمتر از ۱۰ سال اثرات منفی داشت. اثرات منفی کار خانگی بسیار زیاد بود به‌گونه‌ای که احتمال آسیب‌پذیری برای دختران زیر ۱۳ سال به‌طور قابل‌توجهی افزایش می‌یافت. کار کودکان در مزارع خانوادگی با بیشترین آسیب همراه بود. این یافته‌ها نقش مهم کار کودک را در تعیین شکاف جنسیتی در اشتغال برجسته کرد.

کار در خیابان نیز با طیف گسترده‌ای پیامدها همچون پیاده‌روی‌های طولانی و سرپا ایستادن و لذا خستگی مفرط، تجربه خشونت‌ها، درگیری با سایر کودکان و شهروندان، تصادف و زخمی‌شدن، سوء‌تغذیه و تغذیه نامناسب، یادگیری رفتارهای پرخطر و مشاهده مسائل غیراخلاقی، توقیف اجناس و جمع‌آوری شدن، کار در

گرما و سرما، تنفس هوای آلوده، قربانی جرم‌شدن، احساس شرمندگی و حقارت همراه است. در این شکل از کار کودکان دختر آزارهای جنسی زیادی را تجربه می‌کنند (احمدی، ۱۴۰۰؛ وامقی و دیگران، ۱۳۹۴ الف). این دسته از کودکان در معرض طرح‌های جمع‌آوری توسط سازمان‌های دولتی هستند از این رو خشونت قابل توجهی را نیز از سوی آنان تجربه می‌کنند. در مواردی این طرح‌های جمع‌آوری باعث شده است خانواده‌ها کودکانشان را از خیابان وارد کارهای کارگاهی کنند که آسیب‌های آن بیشتر بوده است (احمدی، ۱۴۰۰).

این واقعیت را نمی‌توان انکار کرد که هم دختران و هم پسران در بدترین اشکال کار کودکان مشارکت می‌کنند. با این حال، درک این نکته مهم است که به دلیل برخی انتظارات، وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی که بر دوش دختران گذاشته می‌شود، آن‌ها اغلب در برابر مخاطرات و آسیب‌های کار و استثمار آسیب‌پذیرتر هستند. پژوهش‌های که در کشورهای غنا، تانزانیا و نیجر در بخش معدن انجام شده بود نشان می‌داد دختران اکثراً بدون ابزارهای محافظتی کار می‌کنند، و مسائلی همچون کار در ساعات طولانی، خستگی، درد در ناحیه شکم، بریدگی، سرفه، سردرد و سرگیجه، مشکلات تنفسی، سوزش و سوختگی، تماس با گردوغبار ریز و مواد سمی بدون هیچ‌گونه تجهیزات حفاظتی، خطرات بالای تصادفات، فعالیت بدنی شدید، بیماری‌های، آسیب‌های جدی مادام‌العمر و حتی مرگ را گزارش کرده بودند. یکی از مسائلی جدی که دختران در تانزانیا تجربه کرده بودند میزان مشخصی از آزار جنسی، سوءاستفاده و بهره‌کشی جنسی تجاری بود (سازمان جهانی کار، ۲۰۰۷). یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد دختران در هند در کارهای همچون پوشاک، کبریت‌سازی، آتش‌بازی و سیگارسازی پنجاه تا هشتاد درصد دوران کودکی - با شاخص‌های همچون تحصیل، بازی و شادی - خود را از دست داده‌اند. کودکان دختر در بسیاری از صنایع مورد استثمار بی‌رحمانه قرار گرفته بودند. گاهی اوقات آزار جنسی را نیز تجربه کرده بودند. در این کشور ترجیحات اجتماعی برای فرزندان پسر باعث می‌شود که به دختران کمتر بهاداده شوند، کمتر تغذیه شوند، کمتر تحصیل کنند، اما سخت‌تر کار کنند و از هر فرصتی برای گسترش افق‌های فردی، اجتماعی و فکری خود محروم شوند (بات، ۲۰۱۰).

بازماندگی از تحصیل و ترک تحصیل از دیگر پیامدهای کار کودکان است. در جهان بیش از ۷۰ میلیون کودک در مقطع ابتدایی و تعداد بسیار بیشتری در مقطع دبیرستان در مدرسه ثبت‌نام نمی‌کنند. تعداد بیشتری از کودکان در مدرسه ثبت‌نام می‌کنند اما به‌طور منظم به مدرسه نمی‌روند. بیشتر این کودکان جزو کودکان کار هستند. در بسیاری از کشورها نرخ ترک تحصیل در میان دختران بیشتر از پسران است که کار کودک یکی از محرک‌های آن بوده است. تحصیل دختران در مقایسه با پسران برای بسیاری از والدین سرمایه‌گذاری ضعیفی به نظر می‌رسد. والدین اغلب، هنگامی که با منابع محدود و تقاضاهای مالی فراوان مواجه می‌شوند، ترجیح می‌دهند برای آموزش پسران خود سرمایه‌گذاری کنند و سهم حیاتی دختران را در اقتصاد خانواده از دست ندهند (بات، ۲۰۱۰؛ کولومیتس و موری، ۲۰۰۴).

درنهایت باید گفت از آنجایی که پسران و دختران در انواع مختلفی از کار، چه در اوایل و چه در مراحل بعدی زندگی‌شان، مشارکت دارند، تأثیر آن بر نتایج آینده کاری آنان در بازار متفاوت است. پژوهش‌ها در مکزیک و برزیل نشان می‌دهد تاوان کار برای مشارکت در بازار کار در آینده برای دختران بدتر از پسران است. در

مکزیک بازگشت به تجربه اولیه کار می‌تواند تاوان‌های درآمدی مردان را جبران کند، اما این مورد برای زنان وجود نداشت. این نتایج ممکن است نشان‌دهنده توانایی پسران برای به دست آوردن تجربه کاری قابل‌عرضه در بازار باشد، که می‌تواند در آینده شغلی خود از آن استفاده کنند، درحالی‌که دختران به‌عنوان کارگر خانگی تجربه‌ای به دست می‌آورند که قابل‌انتقال به مشاغل دیگر نیست (کنال، ۲۰۰۱؛ گوستافسون رایت و پاین، ۲۰۰۲).

نتیجه‌گیری

تحت تأثیر سنت‌ها، باروها، هنجارها و فرصت‌ها، جنسیت امروز به یکی از تعیین‌کننده‌های اجتماعی مهم بدل شده است و بسیاری از جنبه‌های زندگی از جمله شانس‌ها و انتخاب‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. یکی از پدیده‌های مهمی که امروزه به مسئله اجتماعی بدل شده است و متأثر از جنسیت است کار کودکان است. علی‌رغم برخی از شباهت‌ها دختران و پسران به شیوه‌های متفاوت کار کودکان را به لحاظ علل، شکل کار، شیوه انجام و پیامدهای آن تجربه می‌کنند. دختران پایه‌پای پسران در کار مشارکت دارند اما سرشماری‌ها به دلایلی همچون نامرئی بودن کار دختران، عدم به‌حساب آوردن کار آنان از سوی والدین به دلیل ادراکات اشتباه، عدم دریافت دستمزد و پنهان بودن برخی از کارها - این مورد برای برخی از اشکال کار پسران نیز مصداق دارد- آن‌ها را کم شمارش می‌کنند. برای مثال تعدادی از نظرسنجی‌ها دختران را «بیکار» به‌حساب می‌آورند که نشان می‌دهد آنان نه در مدرسه حضور دارند و نه کار می‌کنند، اما درحالی‌که ممکن است کار کنند.

سوگیری‌های جنسیتی و ترجیح اجتماعی برای فرزندان پسر باعث می‌شود والدین بیشتر به پسران توجه کنند، در رشد و موفقیت آنان سرمایه‌گذاری، دختران را قربانی پسران و آنان را از رشد و پیشرفت محدود کنند. این امر زمینه‌ای برای ورود دختران به کار است، درحالی‌که کار آن‌ها به‌حساب نمی‌آید. انتظارات و تبعیض‌های جنسیتی، ترجیحات والدین به همراه برخی از علل خاص همچون بیماری در خانواده و کار هر دو والد در خارج از خانه از علل اصلی کار دختران و به‌تبع استثمار مضاعف‌تر آنان در کار است. به همین ترتیب تمایل برای کار سخت در شرایط بد و مطیع بودن تقاضا برای کار دختران بیشتر است. گرچه دختران و پسران به دلیل فقر و سایر شرایط نامساعد مجبور به کارند اما تعدادی از مطالعات نشان می‌دهند این عوامل بیشتر بر دختران تا پسران تأثیرگذارند و در مواردی پسران به‌منظور استقلال اقتصادی کار می‌کنند (ویل، ۲۰۰۲).

دختران بیشتر در کارهای خانگی و کشاورزی حضور دارند. برخلاف تصور رایج کارهای خانگی دختران را در معرض آسیب‌های جدی قرار می‌دهد (بلاگ‌برو، ۲۰۰۸؛ یونیسف، ۱۹۹۹). در کارهای خیابانی نیز از آنجاکه دختران بهتر می‌توانند ترحم شهروندان را جلب و درآمد کسب کنند مشارکت فعالی دارند (احمدی، ۱۴۰۰). براساس یک طبقه‌بندی دیگر پسران بیشتر در بازار و کارهای که همراه با دستمزد است حضور دارند درحالی‌که دختران بیشتر در کارهای خانگی و خدمات خانگی بدون دستمزد حضور دارند. آنجای که دختران دستمزد می‌گیرند در شرایط برابر نیز کمتر از پسران دستمزد می‌گیرند و کنترل کمتری بر دستمزدشان دارند و آن را به

پدر، مادر یا شوهر خود می‌دهند. تجارب و مهارت‌های که پسران در کار کسب می‌کنند در آینده قابل‌عرضه به کارهای دیگر است، درحالی‌که این موضوع کمتر برای دختران مصداق دارد.

کار کودکان برای پسران و دختران آسیب‌های جدی به همراه دارد و به دلیل برخی از انتظارات اجتماعی و جنس کودکان پیامدهای آن برای دختران بدتر است. آزارهای جنسی یکی از پیامدهای کار است که بیشتر معطوف به دختران است. حتی ترس از آزار و از بین رفتن پاک‌دامنی و شرافت دختران، در میان برخی از اقوام از یک سنی به بعد -سن بلوغ- تمایل برای کار دختران در بیرون از خانه به‌ویژه خیابان یا در کار کشاورزی کاهش می‌یابد.

با مرور مطالعات حوزه کار با تأکید بر جنسیت شاهد تفاوت‌های جنسیتی قابل‌توجهی در کار کودکان هستیم. علی‌رغم این تفاوت‌ها این موضوع کمتر موردتوجه محققان، قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران و فعالان حقوق کودکان به‌ویژه در ایران بوده است. از این رو لازم است این موضوع موردتوجه به‌ویژه در درجه اول موردتوجه محققان قرار گیرد تا با انجام پژوهش‌ها در این زمینه اطلاعات کافی را فراهم آورند. بدون فراهم آوردن اطلاعات و شناخت کافی، سیاست‌گذاری‌های و مداخلات ضعیفی انجام می‌شود که در حذف کار کودکان و کاهش آسیب‌های آن مؤثر نخواهند بود.

منابع

1. احمدی، امیر و اسدی، بهنام ۱۳۹۴؛ آثار نقض قرارداد در حقوق ایران با نگاهی به سیستم حقوقی کامن لا و اسناد بین‌المللی، انتشارات قانون یار.
2. امینی، منصور و برجیان، علی ۱۳۹۸؛ جبران خسارت قراردادی در حقوق مدنی (ایالت کبک)، تحقیقات حقوقی شماره ۶۸.
3. اژدری، حسن و دیگران، جایگاه و روش‌های جبران خسارت معنوی در حقوق مصر، فصلنامه تحقیقات حقوقی و بین‌المللی، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم.
4. ابن‌الاثیر، بی‌تا، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، الجزء الاول، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم.
5. بهرامی، بهرام، حقوق تجارت کاربردی، چاپ اول، انتشارات نگاه بینه، تهران، ۱۳۸۲.
6. بادینی، حسن و فروزان بروجنی، فرناز؛ نگرش تحلیلی به امکان فسخ قرارداد با وجود ممکن بودن اجرای عین تعهد در حقوق ایران و آلمان، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، ۱۰، ۱، بهار (۱۳۹۷).
7. بنایی اسکویی، مجید ۱۳۹۲، تعدیل قرارداد در صورت حدوث تعذر مالی، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۴، شماره ۱، بهار و تابستان.
8. بهمنی، محمد ۱۳۹۹، مسئولیت قراردادی و جبران خسارت معنوی، انتشارات خرسندی.
9. جعفری، فریدون و عباسی مقرب، محسن ۱۳۹۵؛ مبانی فقهی و حقوقی جرم انگاری تصدی بیش از یک شغل دولتی در حقوق ایران، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال هفتم، شماره اول، بهار و تابستان شماره پیاپی ۱۳.
10. جوانمردی، ناهید، "ماهیت وفای به عهد و بررسی مصادیق آن در حقوق ایران"، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست.
11. جعفری لنگرودی، محمدجعفر 1395؛ ترمینولوژی حقوقی، انتشارات دادمان.
12. حکمت‌نیا، محمود ۱۳۸۶، مسئولیت مدنی در فقه امامیه (مبانی و ساختار)، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
13. حاجی عزیز، بیژن و غلامی، نگین ۱۳۹۲؛ بررسی تطبیقی فرض سببیت در مسئولیت قراردادی، دوفصلنامه حقوق تطبیقی، شماره ۲۵، شماره پیاپی ۱۰۰.

۱۴. حاجی عزیزی، بیژن ۱۳۸۰؛ روش‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی، دو ماهنامه علمی-پژوهشی دانشور، دانشگاه شاهد، دی، سال نهم.
۱۵. حاجی وند، امین و میرکمالی، سیدعلیرضا؛ مبانی فقهی، حقوقی و جرم‌شناختی رسیدگی افتراقی به جرایم سبز، فصلنامه تحقیقات حقوقی معاهده، شماره ۵۹.
۱۶. خزایی، سیدعلی ۱۳۹۵؛ مسئولیت پیش‌قراردادی؛ شرایط تحقق و زیان‌های قابل جبران، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، سال هفدهم.
۱۷. خشنودی، رضا و دیگران ۱۳۹۶؛ مبانی نظری، اهداف و شیوه‌های جبران خسارت در حقوق رقابت، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتاد و یکم، شماره نود و نهم.
۱۸. خادم سربخش و سلطانی نژاد، هدایت‌الله ۱۳۹۲؛ اصل قابلیت جبران کامل خسارات، فصلنامه مبانی فقهی حقوق اسلامی، سال ششم، شماره دوازدهم.
۱۹. دهقانی دهج، ایمان ۱۴۰۱؛ انتخاب شیوه جبران خسارت معنوی: مطالعه تطبیقی، انتشارات پژوهشکده حقوقی شهردانش.
۲۰. رضایی نیا، مسعود؛ ۱۳۹۶، جبران خسارت معنوی در داوری تجاری بین‌المللی، پژوهشکده حقوقی شهردانش، چاپ اول، تهران.
۲۱. رنجبر، مسعودرضا ۱۳۸۸؛ تعیین خسارت ناشی از نقض قرارداد، انتشارات میزان، چاپ اول، تهران.
۲۲. راستاد، مجتبی ۱۳۹۶؛ تعدیل ناشی از اجرای قرارداد در قراردادهای پیمانکاری، اولین کنفرانس پژوهش‌های نوین علمی در زمینه مدیریت، حسابداری، حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز.
۲۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد ۱۴۱۶، مفردات الفاظ قرآن، انتشارات دارالعلم، دمشق.
۲۴. زنبوری قانع، خسرو ۱۳۹۶؛ سیاست تقنینی قانون‌گذار در جبران خسارت معنوی، انتشارات شمیم مهر و اندیشه.
۲۵. سلیمانی، حمید؛ سلطانی، عباسعلی و صفایی، مریم ۱۳۹۵؛ واکاوی قلمرو قاعده ((اکل مال به باطل))، دو فصلنامه مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق، سال دهم، شماره سی و چهارم.
۲۶. سعیدی، علی اصغر و حیدری، علی اصغر؛ ارزیابی کاربست قوانین معاملات اسلامی در نظام قراردادهای بازار سرمایه ایران، فصلنامه نظریه اجتماعی متفکران مسلمان، سال پنجم، شماره یک، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ص ۱۳۹.
۲۷. طاهری میرقاید، یوسف و فرهادیان، عبدالرضا؛ بررسی چگونگی خسارت در نظام حقوقی ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، چهارمین همایش ملی حقوق ارزیابی کارآمدی قانون در نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶، ص ۴.
۲۸. علوی قزوینی، سیدعلی و وکیلی مقدم، محمد حسین ۱۳۸۹؛ بازنگری در مفاد قرارداد، فصلنامه فقه و حقوق اسلامی، سال اول.
۲۹. عزیزی، علیرضا و مهدوی ثابت، محمدعلی ۱۳۹۷؛ مبانی فقهی و حقوقی جرم‌انگاری اخلال در فرآیند دادرسی کیفری، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال ۱۰، شماره ۱۸.
۳۰. عباس پور ایکدر، نازنین؛ مظلوم رهنی، علیرضا و عسکری، سامان ۱۴۰۱، جایگاه قلمرو نظریه تقصیر، انتشارات مرجع علم.
۳۱. فیومی، احمد بن محمد بن علی، بی تا؛ المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، بی جا.
۳۲. فراهتی، مرضیه و دیگران ۱۳۹۷، بررسی فقهی حقوقی طرق جبران خسارت ناشی از نقض تعهدات قراردادی در پرتو آموزه‌های اخلاقی، مجله اخلاق زیستی، دوره ۸، شماره یک.
۳۳. کامیار (کارکن)، محمدرضا ۱۳۷۶، گزیده آرای دادگاه‌های حقوقی، چاپ اول، (تهران: نشر حقوقدان).
۳۴. لور راسا، میشل ۱۳۷۵، مسئولیت مدنی، ترجمه محمد اشتری، تهران، نشر حقوق‌دان، چاپ اول.
۳۵. محقق داماد، مصطفی ۱۳۸۴؛ قواعد فقه (بخش مدنی)، چاپ ۱۴، انتشارات مرکز نشر علوم اسلامی، ج ۱.
۳۶. مهدوی، محمود و دیگران ۱۳۹۶، مبانی جرم‌انگاری جرایم اقتصادی در فقه امامیه، فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۴، شماره ۱، پیاپی ۸.
۳۷. میرسعیدی، سیدمنصور و زمانی، محمود ۱۳۹۲؛ جرم اقتصادی؛ تعریف یا ضابطه؟؛ فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره چهارم.

38. نصیری، مرتضی و دیگران 1384، مطالعه تطبیقی حق تعلیق و حق حبس در حقوق داخلی و قرارداد نمونه فیدیک، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ویژه نامه حقوق.
39. وطنی، امیر و دیگران 1394: امکان جبران کامل خسارات در اصول قراردادهای تجاری بین المللی، کنوانسیون قراردادهای بیع بین المللی کالا و حقوق ایران، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال چهاردهم، شماره دوازدهم.